

معنی درس ششم عربی یازدهم

فَرَنْسِيَّةَ :فرانسوی	حَصَلَ عَلَى :به دست آورد) مضارع: يَحْصُلُ)	أُرْدِيَّةَ :زبان اردو
قَارِبَ :نزدیک شد «ما يُقَارِبُ: نزدیک به»	حَضَارَه :تمدن	أَشَارَ :اشاره کرد) مضارع: يُشِيرُ)
مُحَاضَرَه :سخنرانی	دُكْتُوراه :دکتر	أَلْفَى :انداخت) مضارع: يُلْقَى (كَانَتْ تُلْقَى مُحَاضِرَةً :سخنرانی می کرد
مَدَّ :کشید، گسترش داد	شَكَّلَ :تشکیل داد) مضارع: يُشَكِّلُ)	إِنْجِلِيزِيَّةَ :انگلیسی
مُسْتَشْرِقٍ :خاورشناس	شَهَادَه :مدرک	أُنْقَرَه :آنکارا
مُعْجَبَه بِ:شیفته (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ)	عَدَّ :به شمار آورد، شمرد) مضارع: يَعُدُّ)	أَوْصَى :سفارش کرد) مضارع: يوصي)
مُقَابَلَه :مصاحبه	فَخْرِيَه :افتخاری	ثَقَافِي :فرهنگی «ثَقَافَه: فرهنگ»
مُنْذَ :از هنگام		

جواب صفحه ۷۸ عربی یازدهم

❑ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

با توجه به متن درس به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱- بِأَيِّ لُغَةٍ كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ؟

معنی: شیمیل به چه زبانی دعا های اسلامی را میخواند؟

پاسخ: كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ (بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ).

او دعاها و احادیث اسلامی را به زبان عربی می خواند و به ترجمه آن ها مراجعه نمی کرد.

۲- أَيُّ حَدِيثٍ كُتِبَ عَلَى قَبْرِ شَيْمِلُ؟

معنی: چه حدیثی بر روی قبر شیمیل نوشته شده است؟

پاسخ: هَذَا الْحَدِيثُ: «الْأَنَاسُ نِيَامُ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا.»

مردم خوابند چون بیدار می شوند.

۳- كَمْ كِتَابًا وَ مَقَالَةً أَلَفْتُ شَيْمِلْ؟

معنی: شیمیل چند کتاب و گردآوری کرد؟

پاسخ: أَلَفْتُ شَيْمِلَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَ مَقَالَةٍ.

شیمیل بیشتر از صد کتاب و مقاله نگاشت.

۴- بِمَاذَا أَوْصَتْ شَيْمِلَ زُمَلَاءُهَا؟

معنی: شیمیل به همکارانش چه وصیتی کرد؟

پاسخ: أَوْصَتْ شَيْمِلَ زُمَلَاءُهَا أَنْ يُشْكِلُوا فَرِيقًا لِلْجَوَارِ الدِّينِيِّ وَ الثَّقَافِيِّ.

شیمیل قبل از درگذشتش به همکارانش سفارش کرد که گروهی را برای گفت و گوی دینی و فرهنگی تشکیل دهند.

۵- أَيْنَ وُلِدْتُ شَيْمِلْ؟

معنی: شیمیل در کجا زاده شد؟

پاسخ: وُلِدْتُ فِي أَلْمَانِيَا.

در آلمان زاده شد.

جواب و معنی صفحه ۸۰ عربی یازدهم

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْحَدِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.

دو آیه و حدیث را بر اساس قواعد درس ترجمه کنید.

۱- لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا

معنی: غمگین نباش قطعاً خدا با ما است.

لَا: لا نهی + مضارع دوم شخص

۲- إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

معنی: بی‌گمان خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان خودشان را تغییر بدهند.

لَا: لا نفی

حَتَّى: حتی + مضارع

۳- لَا تَظْلِمْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ.

معنی: ظلم نکن همانطوری که دوست نداری مورد ظلم واقع شوی و نیکی کن همانطور که دوست داری به تو نیکی شود.

جواب و معنی صفحه ۸۱ عربی یازدهم

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ.

معنی: دو آیه و حدیث را بر اساس قواعد درس ترجمه کنید.

۱- الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

معنی: سپاس برای خداوند است که پروردگار جهانیان است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ: ل (حرف جر) + الله

۲- بُعِثَ النَّبِيُّ لِيَهْدِيَ النَّاسَ.

معنی: پیامبر فرستاده شد تا مردم را هدایت بکند.
لِيَهْدِيَ: لِ به معنی (تا - تا اینکه) + مضارع

۳- لِنَسْتَمِعْ إِلَى الْكَلَامِ الْحَقِّ.

معنی: باید به سخن حق گوش فرا بدهیم.
لِنَسْتَمِعْ: لِ امر (لام به معنی باید) + مضارع

۴- لِمَنْ هَذِهِ الْجَوَازَاتُ؟

معنی: این گذرنامه مال کیست؟
لِمَنْ: لام حرف جر + اسم استفهام

جواب تمرین صفحه ۸۲ درس ۶ عربی یازدهم

♦ تمرین یک_ الاول

■ ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ.

معنی: در جای خالی یک کلمه مناسب از واژگان درس قرار دهید.

۱- كَانَتْ شَيْمِلُ مِنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ مَا يَتَعَلَّقُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجِبَةً بِإِيرَانَ.

معنی: شیمیل از هنگام کودکی اش علاقه‌مند به هر چیزی بود که به شرق ارتباط داشت و شیفته ایران بود.

۲- الدُّكْتُورَةُ الْفَخْرِيَّةُ هِيَ شَهَادَةُ تُعْطَى لِشَخْصٍ تَقْدِيرًا لِجُهُودِهِ فِي مَجَالٍ مُعَيَّنٍ.

معنی: دکترای افتخاری مدرکی است که به خاطر کوشش[ش] در زمینه‌ای مشخص به فردی داده می‌شود.

۳- إِنَّ أَنْقَرَهَ ثَانِي أَكْبَرَ مَدِينَةٍ فِي تُرْكِيَا بَعْدَ إِسْطَنْبُولَ.

معنی: همانا آنکارا دومین شهر بزرگ ترکیه پس از استانبول است.

۴- الشَّعْبُ الْبَاكِسْتَانِيُّ يَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ الْأُرْدِيَّةِ.

معنی: ملت پاکستان به زبان اردو سخن می‌گویند.

۵- اللُّغَةُ الرَّسْمِيَّةُ فِي بَرِيطَانِيَا الْإِنْجِلِيزِيَّةِ.

معنی: زبان رسمی در انگلستان انگلیسی است.

♦ تمرین دوم_ الثاني

■ عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى.

کلمه ای را که با کلمات دیگر مناسب نیست شناسایی کنید.

- ۱- الأسبوع ☐ الشَّهر ☐ الثَّقَافَة ☒ السَّنة ☐
- ۲- الْأُرْدِيَّة ☐ الْإِنْجِلِيزِيَّة ☐ الْفَرَنْسِيَّة ☐ الْفَحْرِيَّة ☒
- ۳- الزَّيْمِل ☐ الْقَمِيص ☒ الصَّدِيق ☐ الْحَبِيب ☐
- ۴- الْقَرْيَّة ☐ الْمَدِينَة ☐ الْبِلَاد ☐ الْيَام ☒
- ۵- الشَّهَادَة ☒ الطُّفُولَة ☐ الصُّغَر ☐ الْكِبَر ☐
- ۶- الْقِطْ ☒ الرُّمَان ☐ التُّفَاح ☐ الْعِنَب ☐

۱- هفته - ماه - فرهنگ - سال

۲- اردو - انگلیسی - فرانسوی - افتخاری

۳- همکار - پیراهن - دوست - دوست

۴- روستا - شهر - شهرها، کشور - خوابندگان

۵- مدرک - کودکی - خردسالی - بزرگسالی

۶- گریه - انار - سیب - انگور

جواب تمرین صفحه ۸۳ درس ۶ عربی یازدهم

♦ تمرین سوم _ الثالث

﴿إِقْرَأِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ انْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.﴾

آیات زیر را بخوانید، سپس ترجمه صحیح را انتخاب کنید.

۱- ﴿عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾

(الف) ☒ مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند.

(ب) مؤمنان فقط به خدا توکل می‌کنند.

۲- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...﴾

بادیه نشینان گفتند... :

(الف) ... «ایمان می‌آوریم.» بگو: «ایمان نمی‌آورید؛ بلکه بگویید: در سلامت می‌مانیم.»

(ب) ☒ ... «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردیم.

۳- ﴿أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾

(الف) ☒ آیا ندانسته‌اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، می‌گستراند؟

(ب) آیا نمی‌دانند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، فراوان می‌کند؟

۴- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ سوره الإخلاص

بگو: او خداوند یکتاست، خدا بی نیاز است...

(الف) ... نمی‌زاید و زاده نمی‌شود و کسی همانندش نیست.

(ب) ☒ ... نزاده و زاده نشده و کسی برایش همتا نبوده است.

جواب تمرین صفحه ۸۴ درس ۶ عربی یازدهم

۵- ﴿...فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾

پس پروردگار این خانه را...

الف) ... می‌پرستند؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس [دشمن] در امان نهاد.

ب) ☒ ... باید بپرستند، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد.

جواب تمرین صفحه ۸۵ درس ۶ عربی یازدهم

♦ تمرین چهارم _ الرابع

☐ ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

در جای خالی یک کلمه مناسب قرار دهید.

۱- تُسَمَّى مَظَاهِرُ التَّقَدُّمِ فِي مَيَادِينِ الْعِلْمِ وَ الصَّنَاعَةِ وَ الْأَدَبِ

(مِهْرَجَانًا - حَضَارَةً) ☒

معنی: نمودهای پیشرفت در زمینه‌های دانش و صنعت و ادب تمدن نامیده می‌شود. (جشن - تهنیت)

۲- أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ فِي حَدِيثِهِ إِلَى فَضَائِلِ أَنَّهُ مَارِي شَيْمِل.

(أَشَارَ - أَتَى) ☒

معنی: استاد دانشگاه در سخنش به فضیلت‌های آنه ماری شیمیل اشاره کرد. (اشاره کرد - برانگیخت)

۳- هِيَ الْقِيَمُ الْمُشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ.

(الشَّهَادَةُ - التَّقَاةُ) ☒

معنی: فرهنگ همان ارزش‌های مشترک میان گروهی از مردم است. (مدرک - فرهنگ)

۴- أَلْقَى أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ حَوْلَ شَيْمِل.

(مُحَاضَرَةً - مُسَجَّلًا) ☒

معنی: استاد دانشگاه درباره شیمیل سخنرانی کرد. (سخنرانی - ثبت شده)

۵- هُوَ الشَّخْصُ الَّذِي يَعْمَلُ مَعَكَ.

(الزَّمِيلُ - الْمَضِيْفُ) ☒

معنی: همکار کسی است که با تو کار می‌کند. (همکار، هم کلاسی، دوست - مهمان دوست)

♦ تمرین پنجم _ الخامس

☐ اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ۱- عَلَيكَ بِالمُحَاوَلَةِ، وَ..... فِي حَيَاتِكَ. ☐ أَنْ تَيْئَسَ ☐ كَيْ تَيْئَسَ ☒ لَا تَيْئَسَ ✓
- ۲- أَنَا..... فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَتَيْنِ. لَنْ أُسَافِرَ ☐ لَمْ أُسَافِرْ ✓ ☒ لِكَيْ أُسَافِرَ ☐
- ۳- أُرِيدُ..... إِلَى سَوَاقِ الْحَقَائِبِ. ☐ أَنْ أَذْهَبَ ✓ ☐ لَمْ أَذْهَبَ ☐ إِنْ أَذْهَبَ ☐
- ۴- هُوَ..... إِلَى الْمَلْعَبِ غَدًا. ☐ لَنْ يَرْجِعَ ✓ ☐ مَا رَجَعَ ☐ لَمْ يَرْجِعَ ☐
- ۵- مَنْ..... يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ. ☐ لَا يَجْتَهِدُ ☐ لَا يَجْتَهِدُ ☒ يَجْتَهِدُ ✓

- ۱- باید تلاش کنی ، و در زندگی است ناامید نباش . (که ناامید شوی - تا ناامید شوی - نا امید نشد)
 ۲- من در دو سال گذشته به سفر نرفته‌ام. (سفر نخواهم کرد - سفر نکردم - تا سفر کنم)
 ۳- می‌خواهم که به بازار چمدان‌ها بروم. (که بروم - نرفته‌ام - اگر بروم)
 ۴- او فردا به ورزشگاه باز خواهد برگشت. (باز خواهد برگشت - برگشت - برگشته)
 ۵- هر کس تلاش بکند موفق می‌شود. (تلاش نمی‌کند - نباید تلاش کند - تلاش بکند)

جواب تمرین صفحه ۸۶ درس ۶ عربی یازدهم

♦ تمرین ششم_ السَّادِسُ

□ عَيْنُ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

معنی: جای فارسی را که در معنی با حدیث همراه است مشخص کنید.

۱- اَلْمُؤْمِنُ قَلِيلٌ اَلْكَلَامُ كَثِيرٌ اَلْعَمَلُ اَلْف

معنی: مؤمن کم حرف و پر کار است.

۲- اَلْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ ب

معنی: دانشمند بی‌عمل مانند درخت بی‌ثمر است.

۳- اَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا اَمَرَنِي بِاَدَاءِ الْفَرَائِضِ هـ

معنی: پروردگارم مرا به مهربانی کردن با مردم دستور داد همان طوری که مرا به انجام واجبات دستور داد.

۴- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ و

معنی: دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

۵- اَلذَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ د

معنی: روزگار دو روز است روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو.

۶- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا ج

معنی: بهترین امور میانه‌ترینشان است.

♦ تمرین هفتم_ السَّابِعُ

■ ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَانِدَتَانِ»

یک کلمه مناسب از کلمات زیر را در جای خالی قرار دهید. “دو کلمه اضافی”

أَنْقَرَهُ = آنکارا / الْإِنْجِلِيزِيَّةُ = انگلیسی / الْحَضَارَةُ = تمدن / فُخْرِيَّةٌ = افتخاری / مُنْذُ = از آنجا / الْمُسْتَشْرِقُ = خاورشناس / مُحَاضَرَةٌ = سخنرانی / شَهَادَاتٍ = گواهینامه ، مدرک

۱- مَا رَأَيْتُ جِيرَانِي ... مُنْذُ ... يَوْمِ الْخَمِيسِ.

معنی: من همسایگانم را از روز پنجشنبه ندیدم.

۲- نَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ ... الْإِنْجِلِيزِيَّةَ ... مِنَ الصَّفِّ السَّابِعِ.

معنی: زبان انگلیسی را از کلاس هفتم می‌آموزیم.

۳- أَلْقَى الْأُسْتَاذُ ... مُحَاضَرَةً ... ثَقَافِيَّةً أَمَامَ الطُّلَابِ.

معنی: استاد پیشاروی دانشجویان سخنرانی فرهنگی کرد.

۴- كَانَتْ ... الْحَضَارَةُ ... السُّومَرِيَّةُ فِي جَنُوبِ الْعِرَاقِ.

معنی: تمدن سومری در جنوب عراق بود.

۵- أَلدُّكْتُورَاهُ مِنْ أَعْلَى ... شَهَادَاتٍ ... التَّخْصُّصِ فِي الْأَجَامِعَاتِ.

معنی: دکترای او از بالاترین مدارک تخصصی در دانشگاه‌هاست.

۶- إِنَّ ... الْمُسْتَشْرِقَ ... عَالِمٌ مِنَ الدُّوَلِ الْعَرَبِيَّةِ عَارِفٌ بِالثَّقَافَةِ الشَّرْقِيَّةِ.

معنی: همانا خاورشناس، دانشمندی است از دولت‌های باختری که آشنا با فرهنگ خاورزمین است.

جواب بحث علمی صفحه ۸۸ عربی یازدهم

■ الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

أَكْتُبْ عَنْ أَحَدِ هَوَلاَءِ الْمُسْتَشْرِقِينَ الَّذِينَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْفَارِسِيَّةَ أَوْ الْعَرَبِيَّةَ.

بنویس درباره‌ی یکی از این خاورشناسانی که به زبان فارسی و انگلیسی خدمت کردند.

معنی بخش آبی رنگ زیر تصاویر 🖼️

«یوهان گوته» هُوَ أَحَدُ أَشْهَرِ أَدْبَاءِ أَلْمَانِيَا، وَ الَّذِي تَرَكَ إِرْثًا أَدَبِيًّا وَ ثَقَافِيًّا عَظِيمًا لِلْمَكْتَبَةِ الْعَالَمِيَّةِ.

معنی: گوته یکی از نامدارترین ابدانان آلمان است کسی که میراثی ادبی و فرهنگی سترگی برای کتابخانه جهان به جا نهاد.

«رینولد نیکلسون» هُوَ مُسْتَشْرِقٌ إِنْجِلِيزِيٌّ. خَبِيرٌ فِي النَّصُوفِ وَ الْأَدَبِ الْفَارِسيِّ، وَ يُعْتَبَرُ مِنْ أَفْضَلِ الْمُتَرْجِمِينَ لِأَشْعَارِ جَلَالِ الدِّينِ الرَّوْمِيِّ.

معنی: نیکلسون خاورشناس انگلیسی و آگاه به پشینه پوشی و ادب پارسی است. او از بهترین ترجمه گران شعرهای مولانا به شمار می‌رود.

«هَنري كوربين» فَيُسوفَ وَ مُسْتَشْرِقُ فَرَنسِيّ اهْتَمَّ بِدِرَاسَةِ الْإِسْلَامِ. أَسَّسَ فِي فَرَنسَا قِسْمًا لِتَارِيخِ إِيرَانَ. **معنی:** هانری کرین فلسفه‌دان و خاورشناس فرانسوی است که به بررسی و پژوهش اسلام علاقه مند بود. او در فرانسه بخشی برای تاریخ ایران بنیاد نهاد.

«إِدوارد براون» مُسْتَشْرِقُ إِنجِلِيزِيّ نَالَ شُهْرَةً وَاسِعَةً فِي الدِّرَاسَاتِ الشَّرْقِيَّةِ وَ كَانَ يَعْرِفُ الْفَارِسِيَّةَ وَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا. **معنی:** ادوارد براون خاورشناس انگلیسی است که آوازه گسترده‌ای در بررسی و پژوهش‌های شرقی به دست آورد. او فارسی و عربی را خوب می‌شناخت.

«تَوْشِي هِيكُو إيزوتسو» أَوَّلُ مَنْ تَرَجَّمَ الْقُرْآنَ إِلَى اللُّغَةِ الْيَابَانِيَّةِ. وَ كَانَ يَعْرِفُ ثَلَاثِينَ لُغَةً مِنْهَا الْفَارِسِيَّةَ وَ الْعَرَبِيَّةَ. **معنی:** ایزوتسو نخستین کسی است که قرآن را به زبان ژاپنی برگرداند. وی سی زبان از جمله فارسی و عربی را می‌شناخت.

«فِلَادِيمِير مِينورسکی» مُسْتَشْرِقُ رُوسِيّ. أَسْتَاذٌ فِي دِرَاسَةِ الْفَارِسِيَّةِ وَ الْكُرْدِيَّةِ. **معنی:** مینورسکی خاورشناس روسی است، استاد در بررسی و پژوهش فارسی و کردی.